

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۲ جون ۲۰۱۴

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!



رفیق موسی آباد

هنگامی که در سیزده دی ماه [جدی] سال ۶۱، شلیک سلاح های امریکائی مزدوران امپریالیسم، قلب پر تپش رفیق موسی آباد را از کار انداخت، توده های تحت ستم و سازمان مایکی دیگر از کارگران و همزمان فداکار و انقلابی اش را در راه مبارزه علیه امپریالیسم و سگان زنجیری اش در خطه جنوب از دست داد.

رفیق موسی از تبار چریکهای فدائی خلق بود. او از زمره آن رفقائی بود که از همان ابتدای کودکی، درد فقر و ستم حاکم بر روابط جامعه را به عینه لمس کرده و با کینه و نفرتی عمیق به حافظان این نظم یعنی امپریالیسم و نوکرانش و عشقی عمیق تر به خلق خویش بزرگ شد. او در سال ۱۳۳۵ در روستای "سورگاو" از توابع سیستان به دنیا آمد و در حالی که تنها هشت سال داشت پدرش را که ملای روستا و معلم مکتب بود، از دست داد. با مرگ پدر مسؤولیت سنگین اداره خانواده به گردن مادرش افتاد و خانواده برای تأمین مخارج زندگی مجبور شد زادگاه خود را رها کرده و در شهر اقامت کند. به دنبال کوچ به شهر کم کم بخشی از مسؤولیت تأمین خانواده به دوش رفیق موسی افتاد تا با کار در سنین کودکی به مادرش کمک کند. در این هنگام او که تا کلاس دوم ابتدائی درس خوانده بود به هر قیمتی بود تحصیلاتش را تا سال دوم راهنمائی ادامه داد. اما شرایط فقر امکان ادامه تحصیل را از او سلب می کرد و در شرایطی که مخارج خانواده به سختی تأمین می شد دیگر ادامه این وضع برای موسی امکان پذیر نبود و او به ناگزیر مدرسه را ترک نمود. در ادامه تلاش برای تأمین معاش به "ابو ظبی" رفت و چند سال در آن جا به کارگری پرداخت و پس از مدتی با جمع آوری دسترنج سال ها کار و زحمت خویش به ایران بازگشت.

در این هنگام آتش مبارزات توده‌های تحت ستم علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه، ایران را فرا گرفته بود. رشد همین مبارزات و فضای پر تلاطم قیام، موسی را نیز به مانند میلیون ها تن دیگر از زحمتکشان و توده مردم به جنبش انقلابی کشانید و خیلی زود با شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، این سگان زنجیری جدید امپریالیسم و با ایمان به درستی نظرات انقلابی چریکهای فدائی خلق به هواداری از آنان و راه سرخ شان پرداخت. در راستای تلاش جهت تبلیغ و نشر نظرات چریکهای فدائی خلق با تشکل هواداران سازمان در منطقه در ارتباط قرار گرفت.

از این پس رفیق موسی به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای تمام امکانات زندگی اش را در جهت پیشبرد کار مبارزاتی و سازمانی کانالیزه کرده و بسیاری از وظایف انقلابی که به وی محول می شد را با شوری خستگی ناپذیر به پیش می راند. در این مقطع او با خریدن یک تاکسی و کار با آن از یک طرف زندگی خانواده اش را اداره می کرد و از طرف دیگر این وسیله را در خدمت پیشبرد کارهای مبارزاتی قرار داده بود. او در اکثر حوزه‌های فعالیت از جمله کارهای تدارکاتی، ارتباطات، تهیه خانه‌های تشکیلاتی، جابه جا کردن وسائل و امکانات تشکیلات، جاسازی کردن مهمات اضافی و شناسایی برای تیم های عملیاتی، فعالانه حضور داشته و با پیگیری و تلاش انقلابی، اکثر مشکلات و موانع را از پیش پای رفقایش بر می داشت. برآستی که او نمونه یک رفیق فعال و کوشا و کارگری آگاه و خستگی ناپذیر بود. رفیق موسی در سال ۶۱، رابط بین بخش کردستان تشکیلات چریکهای فدائی خلق با رفقای هوادار در منطقه جنوب شد. سرانجام دشمن ضدخلق که پورش همه جانبه و سازمان یافته‌ای را به خلق و سازمان های انقلابی اش آغاز کرده بود، در ادامه جنایاتش، این کارگر آگاه و انقلابی را نیز دستگیر کرده و یکسره به زیر شکنجه و تازیانه برد. رفیق موسی آباد به عنوان یک چریک فدائی خلق در سیزده دیماه سال ۶۱ توسط دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی اعدام شد. مزدوران جمهوری اسلامی خون او را بر زمین ریختند، غافل از این که یاد و خاطره رفیق موسی الهام بخش کارگران و مبارزان جوان قرار گرفته و راهش تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه خواهد یافت.

به نقل از : ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۴، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۳